



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



6 اکتوبر 2025

داکتر سید عبدالله کاظم

قابل توجه جناب داکتر صاحب نوراحمد خالدي و دیگر هم نظران شان

(قسمت سیزدهم)

توسل به راه حل سیاسی یک اقدام معقول!

با وجودی که جنگ در طول سه هفته در جنوبی هنوز در حال پیشرفت بود، شاه امان الله پیشنهاد متارکه را که جانب انگلیس بتاريخ 3 جون 1919 (12 جوزا 1298 ش) ارائه کرده بود، قبول نمود و جنگ را متوقف ساخت و بعد از آن تاریخ با استفاده از این دست آورد مهم نظامی، خواست تا داعیه استقلال افغانستان را از طریق مذاکرات سیاسی دنبال کند. لودویک آدامک افغانستان شناس مشهور امریکائی که آثار متعدد در باره افغانستان دارد، راجع به پی آمد نهائی جنگ سوم افغان و انگلیس به این نظر است که: «برتانیه در جنگ سوم افغان پیروز نگردد، هر دو طرف اراضی یکدیگر را اشغال کرده بودند و پیکارهای فیصله کن صورت نگرفت و هیچ یک از هر دو طرف بصورت مشخص شکست نخورد، لیکن این جنگ به تسلط و اقتدار برتانیه در افغانستان خاتمه داد و افغانها حق دارند که در آن جنگ خود را پیروز اعلان نمایند، ولو اینکه در نهایت این پیروزی را در ساحه دیپلوماسی بدست آوردند، تا اینکه آنرا در میدان جنگ کمایی کرده باشند.» (آدامک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال"،، صفحه 151)

شاه امان الله برای نیل به استقلال کامل کشور از طریق سیاسی در عین زمان از دو مسیر استفاده کرد: یکی اعزام اولین هیئت رسمی برای مذاکره با جانب انگلیس تحت ریاست علی احمدخان به راولپنڈی و ادامه مذاکرات بعدی و دیگر اعزام یک وفد سیاسی سیار تحت نام "سفارت فوق العاده" بریاست محمولی خان دروازی نخست به روسیه شوروی و سپس به بعضی کشورهای اروپائی جهت شناسائی رسمی دولت مستقل افغانستان و برقراری روابط سیاسی بین آن کشورها با افغانستان.

شاه امان الله در سیاست خارجی نصیحت امیر عبدالرحمن خان پدرکلان خود را جداً در گوش داشت که باید کشور را بین (شیر و خرس) طوری محفوظ نگهدارد که از رقابت هر دو استفاده کرده، ولی به هیچیک آنها اعتماد نکند، در غیر آن تمامیت و استقلال کشور مواجه به خطر جدی خواهد شد. بنابراین شاه نمیخواست سیاستی را پیش گیرد که به منافع همسایه گان صدمه رساند و موجب تعرض آنها به افغانستان شود. مشکل شاه امان الله به مقایسه عصر پدرکلانش که نزدیکی به انگلیس ها را به نفع سلطنت خود دیده و از استقلال روابط خارجی کشور در بدل آن چشم پوشیده بود، فرق بارز داشت. برای شاه امان الله کسب استقلال کامل کشور از همه بالاتر بود و برای نیل به این هدف باید با انگلیس ها به مقابله می پرداخت، بناءً ناگزیر بود در آغاز با روسیه از در دوستی کنار آید. شاه بعد از موفقیت در اقدام نظامی کوشید تا از طریق سیاسی برای حصول استقلال دست بکار شود و در این حال با انگلیس ها نیز از مسامحه و مدارا کار گیرد.

اگرچه بحث مفصل پیرامون مذاکرات سیاسی با هیئت های هند برتانوی در راولپنڈی، بعداً مسیوری (منصوری) و در نهایت مذاکره طولانی کابل در این مبحث نمی گنجد، اما کوشش میشود درباره اهمیت این مذاکرات و پی آمدهای آن با اختصار به بعضی نکات برجسته آن اشاره گردد:

دور اول مذاکرات در راولپنڈی:

دور اول مذاکرات به ریاست علی احمدخان بارکزائی (وزیر داخله) با هیئت انگلیسی زیر نظر "سر هملتن گرانت" در راولپنڈی بتاريخ 26 جون 1919 آغاز گردید. در اولین جلسه سران هر دو هیئت با ایراد سخنرانی ها نقاط نظر

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

خود را بیان کردند. گرانته به افغانها اخطار داد تا قبایل را زیر کنترل بگیرند و گفت: با وجود آرزوی حکومت وی برای صلح، برتانیه نمیتواند حوصله بی پایان در برابر تجاوز قبایل نشان داده و از آن تجاها نماید. این گفته گرانته در ارتباط به اعلامیه ای بود که شاه امان الله حین ورود هیئت صلح به هند اشاعه نموده و از حمایت مردم افغانستان و قبایل سرحدی یاد کرده و گفته بود: در این فرصت که متارکه برقرار شده، اگر صلح آبرومند بدست آمد و احترام و عزت افغانستان حفظ گردید، از آن چه بهتر و اگر چنان نشد، وی تادم مرگ جهاد را ادامه خواهد داد. علی احمد خان در بیانیه خود به قوانین جدید در هند اشاره کرد که موجب ظلم بر مردم قبایل گردیده و علاوه کرد که حکومت هند به دوستی افغانستان بیشتر نیاز دارد تا دوستی افغانستان با هند، و نیز تصریح نمود که افغانها از دوستی با هند پاداش نگرفته (اشاره به بیطرفی افغانستان در جنگ جهانی اول) و اذعان داشت که افغانستان برای صلح درخواستی نداده بلکه برای بار نخست سکرتری خارجه هند پیامی به امیر توسط عبدالرحمن خان نماینده افغانستان در هند راجع به صلح فرستاده بود. او پیشنهاد کرد برتانیه و افغانستان باید در برابر تهدید کمونیزم همدست شوند.



Image 2. Afghan Peace Delegates led by Sardar Ali Ahmad Khan met Sir A H Grant at Murree, a hill station near Rawalpindi on 8th August 1919 to sign the Treaty of Peace. Source: National Army Museum, London.

در جلسه دوم که بتاريخ 29 جولای 1919 دایرگردید، علی احمد خان درباره مشکلات برتانیه از رهگذر قبایل صحبت نمود و علت آنرا خصومت برتانیه با افغانستان وانمود کرد و در این ارتباط با قانون "بل روال" اشاره کرد که موجب خراب شدن روابط افغانستان با برتانیه گردید. گرانته به نوبه خود از روابط قبلی که برتانیه با دو امیر گذشته داشت، یاد کرد و اصرار نمود که باید به همان قرار و ترتیب ادامه داده شود، ولی علی احمدخان برگشت به قراردادهای گذشته را به شدت رد کرد و گفت افغانستان برای استقلال داخلی و خارجی خود پافشاری دارد و نیز از بمباردمان طیارات برتانوی به کابل و جلال آباد یاد کرد که در اثر آن مقبره دو امیر گذشته خساره دیده بود.

بعد از پایان جلسه دوم گرانته به وزیر امور خارجه هند برتانوی اطلاع داد که افغانها تحت هیچگونه شرایطی حاضر نیستند از استقلال روابط خارجی خود بگذرند و نیز افغانها برای تعدیل و تنظیم امور سرحدی سر از نو تلاش دارند و میخواهند وزیرستان و دیگر ساحات قبایلی به افغانستان داده شود و نیز استقلال کامل افغانستان با آرزومندی انتقال خلافت اسلامی به افغانستان ربط دارد.

در جلسه سوم که بروز 31 جولای دایر شد، گرانته تقاضاهای برتانیه را به طرف افغانی ارائه کرد و علی احمد خان همه آنها رد نمود. در جلسه چهارم (4 آگست) با ارائه طرح معاهده و تعدیلات دوجانبه در متن آن علی احمد خان گفت که بجای "امیر افغانستان" باید "حکومت افغانستان" در معاهده گنجانیده شود به این معنی که معاهده بین دو حکومت صورت گیرد، نه با شخص امیر و نیز باید بعضی عبارات خفت آور که مسئولیت جنگ را بردوش افغانستان می انداخت، از متن معاهده حذف شوند. طرف افغان از بابت تادیبه مبلغ یک کرو روپیه امانت امیر قبلی نزد برتانیه یاد کرد و خواهان تادیبه آن به امیر جدید گردید و نیز درباره تعیین یک کمسیون مشترک برای علامه گذاری نقاط سرحدی که تا آنوقت مشخص نشده بودند، الی شش ماه تقاضا نمود و از حکومت برتانیه خواست تا از هرگونه اقدام علیه قبایل تا زمانیکه مذاکرات برای معاهده صلح صورت میگیرد، دوری جوید. علی احمد خان سه شرط ذیل را برای عقد معاهده پیش کرد: 1 - افغانستان و حکومت برتانیه باید دشمن واحد داشته باشند؛ 2 - حکومت برتانیه باید افغانستان را از نظر نظامی تقویه کند؛ 3 - برتانیه تمام قلمرو

قبایل را به افغانستان واگذارد تا افغانستان آنرا به ترتیب درست اداره نماید و نیم مصارفی را که برتانیه برای کنترل قبایل تخصیص داده، به افغانستان بپردازد.

گرانت تقاضای فوق را نپذیرفت، اما بعضی تعدیلات را در متن مسوده معاهده متقبل شد و یک نظر جدید را درباره افغانستان اظهار کرد و گفت که: سیاست ما در تمام مدت این بود که به افغانستان همان آزادی را که حالا اساسی میداند، بدهیم. نائب السلطنه هند برتانوی نیز فکر میکرد که زمان اعطای امتیازات فرا رسیده و به لندن اطلاع داد که افغانها برای بدست آوردن استقلال شان با سرسختی تمام اصرار می ورزند و تا زمانیکه استقلال شان تأیید نگردد، نمیخواهند به افغانستان برگردند. به همین دلیل بود که گرانت مسئله کنترل امور خارجی افغانستان را توسط برتانیه دنبال نکرد و آماده بود که آنرا به کردار و رفتار آینده امیر در رابطه با دوستی با برتانیه بپذیرد. نائب السلطنه احساس میکرد که: «اگرما حالا از سر آب در میگذریم، شاید بعد از این آب حیات را بدست آوریم»، یعنی او فکر میکرد که با اعطای استقلال در روابط خارجی افغانستان، روزی خواهد رسید که خود افغانها در این مورد از انگلیسها تقاضای همکاری خواهند نمود.

بالاخره در جلسه پنجم بتاريخ 6 آگست گرانت متن معاهده خود را به افغانها ارائه نمود و دو روز بعد (8 آگست 1919) علی احمد خان آنرا امضاء کرد که مشتمل بر مواد ذیل بود: 1 - تأسیس و برقراری صلح؛ 2 - جلوگیری توريد اسلحه از طریق هندوستان؛ 3 - ضبط اعانه باقیمانده و قطع تادیبه مستمری به امیر؛ 4 - بعد از سپری شدن شش ماه برتانیه با هیئت افغان روی موضوعات منافع مشترک و تأسیس دوباره روابط دوستی دیرینه مذاکره میکند، مشروط بر اینکه حکومت افغانستان با کردار و اعمال خود نشان دهد که صمیمانه میخواهد دوستی برتانیه را دوباره کمایی کند؛ 5 - پذیرفتن سرحد هند و افغانی طوریکه سابق تعیین گردیده و علامه گذاری آن بخشهایی سرحد توسط کمیسیون برتانوی که تاحال علامه گذاری نشده است.

در حالیکه برتانیه با بی میلی استقلال افغانستان را قبول کرد، مجبور بود به وعده خود وفا نموده و به امید انکشافات آینده که شاید روابط سابق افغان و انگلیس دوباره برقرار گردد، انتظار بکشد. با این امید گرانت حاضر شد تا نامه ای جداگانه بنویسد و آنرا به علی احمد خان بسپارد و در آن تصریح کند که: «در معاهده چیزی وجود ندارد که سبب مداخله در استقلال داخلی و خارجی افغانستان گردد».

اگرچه این نامه در معاهده شامل نبود و گرانت در برابر این سوال که معاهده را نشر میکند، جواب مثبت داد و در عین زمان گفت نامه را نشر نخواهد کرد و اما افغانها میتوانند آنرا طبع و به نشر بسپارند. بر طبق این معاهده قوای برتانوی بروز 14 آگست سپین بولدک و دکه را تخلیه کردند و علامه گذاری سرحد بروز 13 سپتمبر تکمیل گردید. طی مدت مذاکرات صلح از سفیر انگلیس در کابل حافظ سیف الله خبری نبود، در حالیکه او در کابل در تجرید قرار داشت و بعد از اندک مدتی به او اجازه برگشت به هند داده شد. به همین ترتیب هیئت افغانی به کابل آمد و بروز 14 آگست در دربار شاه امان الله باریاب گردید. (برای شرح مزید جریان جلسات دوره اول مذاکرات صلح دیده شود: آدامک، لودویک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال" صفحه 151 تا 167)

استاد عزیز الدین وکیلی پولزائی مستند نویس و واقعه نگار کشور در کتاب "فرهنگ کابل باستان" موضوع مهمی را تحت عنوان "امضای آخرین سند استرداد استقلال در کابل" ذکر میکند و می نویسد: «سردار علی احمد خان بارکزائی ناظر امور داخلیه و سرهملتن گرانت بتاريخ دوشنبه 18 برج اسد سال 1298 هجری شمسی مطابق 14 ذیقعدة الحرام سنه 1337 هجری قمری موافق 10 آگست 1919 میلادی در راولپندی معاهده استرداد استقلال افغانستان را امضاء کردند. بروز های سه شنبه 26 و چهارشنبه 27 اسد سال مذکور بحث و مباحثه در قصر زرافشان (مقام مؤقت نظارت امور خارجیه) کابل بحضور سر قهرمان ملی افغانستان اعلیحضرت امان الله شاه ادامه داشت.» پولزائی می نویسد: «چون مواد معاهده مطابق به شان و شرف افغانستان بطور دلخواه تمام شد، اعلیحضرت امان الله شاه آن سند مهم را در کابل در قصر زرافشان بتاريخ 28 اسد سال 1298 شمسی [18 آگست 1919 م] بقلم خود امضاء نمود. این قلم خود رنگ یادگاری در الماری دارالتحریر شاهی (ارگ دار السلطنه کابل) حفظ گردید. اعلیحضرت غازی بعد از مراسم امضاء، حاضرین دربار سلطنت را مخاطب قرار داده گفت: "بعد از این اگر امان الله زنده باشد و یا مرده، شما ملت نجیب و غیور افغانستان این روز خجسته را همه ساله

بنام عید ملی و خاطره شریف استرداد استقلال کشور جشن بگیرد.» (وکیلی، پولزائی: "فرهنگ کابل باستان، نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ، چاپ اول 1387ش، جلد دوم، صفحه 873) [قصر زرافشان عمارتی بود که در زمان امیر حبیب الله خان سراج الملت در مقابل هتل کابل و در جوار دافغانستان بانک فعلی اعمار شده بود و زمانی وزارت دربار و بعداً ریاست مستقل مطبوعات در آن جاگزین بود و در دهه اخیر سلطنت در ضمن تخریب سینمای قدیمی کابل و وزارت معارف و احوالات پارک زرنگار این قصر که در حالت زار قرار داشت، نیز تخریب شد.]

مرحوم غبار که اساساً با جمعی دیگر از بزرگان دولت آنوقت مخالف قبول پیشنهاد متارکه از طرف انگلیسها بوسیله شاه امان الله بود، بر ماده پنجم معاهده صلح یعنی پذیرفتن سرحد بین هند و افغانستان که قبلاً تعیین گردیده بود، انتقاد داشت و آنرا یک تخطی بزرگ علی احمد خان از هدایات صریح دولت پنداشته و می نویسد: «علی احمدخان با وجود چنین هدایات صریح، معاهده صلح را به ضرر ملت افغانستان امضاء کرد و اختیار حدود یک کشور غالب را بطرف مغلوب گذاشت [؟] و خود یکا بل برگشت؛ غبار می افزاید: «پیش از آنکه علی احمدخان محاکمه رسمی و محکوم گردد، شاه او را بخواست و حضوراً مورد عتاب قرار داد، ولی آخرین جزایی که برای او تعیین نمود "توقیف" و آنهم در عمارت شخصی اش بود، بعداً علی احمد خان در سال 1921 مورد عفو شاه قرار گرفت و متعاقباً با خواهر شاه ازدواج کرد و در پست های بزرگی مقرر گردید.» (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، صفحه 776)

در این مورد باید علاوه کرد که شاه امان الله هم میدانست که انگلیس ها به هیچ وجه حاضر نیستند امور قبایل سرحدی را به افغانستان بسپارند و بر حدود سرحدی قبلی تجدید نظر نمایند و حتی احتمال داشت که انگلیسها به همین بهانه مذاکرات صلح و بحث روی استقلال خارجی افغانستان را به نحوی به تعویق اندازند و هیئت با دست خالی مجبور به برگشت به کشور گردد. علی احمد خان توانست با حصول یک نامه از گرانت سندی را بدست آورد که شاه امان الله به استناد آن استقلال کامل افغانستان را رسمیت بخشید و بدانوسیله توانست با اقدامات بعدی زمینه شناسائی رسمی افغانستان مستقل را ضمن اعزام سفارت فوق العاده به کشورهای اروپائی عملاً فراهم نماید.

اینکه شاه امان الله بر علی احمد خان قهر و او را در منزلش زیر نظر قرارداد، به احتمال قوی یک تاکتیک سیاسی بود و "با یک تیر دو فاخته را نشان گرفت" یعنی از یکطرف استقلال کشور را با دست آورد آن معاهده و نامه گرانت اعلام کرد و از طرف دیگر نارضایتی خود را از ماده پنجم معاهده ابراز نمود تا قبایل سرحد را امیدوار سازد که افغانستان از قیام و آزادی آنها حمایت خواهد کرد. شاه با این تاکتیک خواست تا فضای گرم جهاد قبایل را، در صورتیکه بر تانیه در مذاکرات بعدی در برابر به رسمیت شناختن کامل استقلال کشور بهانه تراشی نماید، بار دیگر جوش و خروش جهاد مردمان قبایلی را تقویه و بر تانیه را از این ناحیه تحت فشار قرار دهد، چنانچه بعداً شاه به همین ترتیب عمل کرد. شاه امان الله در این فرصت نامه امتنانیه عنوانی شاه بر تانیه نوشت و از شناسائی استقلال کامل افغانستان تشکر کرد، ولی شاه بر تانیه از دادن جواب دوری جست.

دور دوم مذاکرات در مسیوری :

دومین دور مذاکرات در 17 اپریل 1920 به ریاست محمود طرزی وزیر امور خارجه افغانستان در مسیوری (منصوری) در دامنه کوه های همالیا آغاز گردید و ریاست هیئت بر تانوی را دابس سکرتری خارجه حکومت هندوستان بدوش داشت.

دابس در بیانیه خود بیشتر روی دو موضوع تأکید کرد: یکی تبلیغات افغانها علیه بر تانیه و دامن زدن به هیجانان قبایل سرحد و دیگر تقویه سیاست بلشویک ها و آماده ساختن دهلیز برای ماموران مخفی آنها بر ضد بر تانیه؛ اما طرزی موقف افغانها را مبنی بر بیرون شدن از تجرید بیان کرد و گفت که افغانستان میکوشد با سایر ملل مرادات و معاملات آزاد برقرار کند. در جلسه روز دوم مورخ 19 اپریل دابس به هیئت افغانی اطمینان داد که بر تانیه استقلال افغانستان را برسمیت شناخته، لیکن قبل از عقد پیمان دوستی نمیتواند نمایندگی سیاسی افغانستان را در لندن بپذیرد، در حالیکه طرزی بر آن موضوع اصرار میکرد و میگفت که افغانستان میخواهد یک تعداد محصلان را غرض تحصیل به آن کشور اعزام دارد و نیز میخواهد اشیای مورد ضرورت خود را مستقیماً از آن

کشور خریداری نماید، نه از طریق هند و گفت که افغانستان حاضر است نمایندگی سیاسی برتانیه را در کابل اجازه تأسیس دهد.



در جلسه چهارم (22 اپریل) افغانها بر آن بودند که موضوع اخراج اتباع خارجی مخالف برتانیه از افغانستان نباید مطرح بحث شود، زیرا چنین موضوع مغایر با مهمان نوازی اسلامی و اصول بین المللی میباشد. هیئت افغانی به این نظر بود که افغانستان ترجیح میدهد با برتانیه معامله کند، به شرطیکه برتانیه حاضر به قبول خواسته های ما باشد، در آنصورت موضوع روابط با بلشویک ها و نیز پناه سیاسی به مخالفان هندی

را میتوان تسهولت حل کرد و اما میخواهیم بدانیم که برتانیه به ما چه میدهد؟ ما هنوز هم برداعیه وزیرستان جدی هستیم و بهتراست امور آنرا به افغانستان واگذار شوید و یا اینکه یک حوزه مستقل و آزاد قبایل را به وجود آورید که به حیث یک حایل بین افغانستان و قلمرو برتانیه باشند و اگر برتانیه به این خواست ما توجه نکند، هیئت افغانی هند را ترک خواهد کرد. در عین حال طرزی اعتراف کرد که افغانستان 60 نفر مشاور نظامی همراه با 6 عراده توپ را برای کمک به امیر بخارا ارسال داشته و در نظر دارد به نیروهای ضد بلشویک در فرغانه نیز کمک نماید و علاوه کرد که اگر وزیرستان به افغانستان واگذارده شود، افغانها حاضرند با برتانیه یک اتحادیه را علیه بلشویک ها امضاء کنند و ترکمانها، بخارا و خیوه را از زیر تأثیر روسها نجات دهند.

در این موقع ادامه مذاکرات به تعویق افتاد تا آنکه بروز 7 جون 1920 باردیگر آغاز یافت، ولی مذاکرات به آهستگی پیش میرفت. بروز 23 جون باز هم موضوع قبایل مطرح شد و حکومت لندن به هند صلاحیت داد به افغانستان اعانه پردازد، مشروط بر اینکه افغانها با قبایل علیه برتانیه توطئه نکنند و به خارجی هائیکه مخالف هند باشند، پناه گاه ندهند. حکومت هند اما میدانست که افغانها در بدل پرداخت اعانه به کسی اجازه نخواهند داد روابط خارجی آن کشور را کنترل نماید.

در جریان مذاکرات مسیوری (از 17 اپریل تا 18 جولای 1920) وضع سیاسی منطقه به نفع افغانها تغییر کرد: حکومت جدید ایران هیئتی را برای مذاکره به مسکو فرستاد، بلشویکها آذربایجان را تصرف کردند، مصطفی کمال اقتدار خود را در اناتولیه استحکام بخشید، در عراق عربها قیام کردند و در هندوستان مسئله خلافت و نیز استبداد و سفاکی ها در "امرتسر" مردم را به طغیان و هیجان واداشت و هجرت مسلمانهای هند به افغانستان بیشتر شد. در همین موقع نماینده شوروی "سوریتز" که در کابل بود، از مسکو هدایت یافت تا با افغانستان یک معاهده امضاء کند.

این رویدادهای مهم دابس را معتقد ساخت که روسها میخواهند افغانستان را بر علیه برتانیه تحریک نمایند و بنابراین فکر کرد که موقع آن رسیده تا با افغانستان یک پیمان دوستی را عقد نماید. دابس مسوده معاهده را ارائه کرد و در آن استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و ترتیباتی برای تأسیس قونسلگری گرفته شد. برطبق این مسوده افغانستان باید از مداخله در امور قبایل ماورای سرحد بپرهیزد و فعالیت های ضد برتانوی را در کشور خود اجازه ندهد و برای اینکار برتانیه ابراز آمادگی کرد تا مبلغ 18 لک روپیه به افغانستان معاونت کند و مقدار موادی مورد ضرورت افغانستان را در دسترس قرار دهد، اما وایسرای هند لارڈ چلمسفورد با این مسوده موافق نبود و نمیخواست با افغانستان در آن فرصت هیچ نوع تعهدی را قبول نماید و یا معاهده را امضاء کند.

در آخرین جلسه بین هردو هیئت بروز 24 جولای 1920 دابس به هیئت افغانی یک یادداشتی را سپرد که مواد آن با مسوده معاهده مشابه بود و عقد معاهده را به آینده موکول کرد. هیئت افغانی بعد از سه ماه مذاکرات خسته

کن فقط با ارمان و عده تصفیه امور بکابل برگشت. در کابل مذاکرات شانرا با "سوریتز" در ماه آگست و سپتمبر ادامه دادند و چون با برتانیه نتوانستند معاهده را امضاء کنند، فوراً با روسیه مسوده معاهده افغان روس را امضاء کرده برای تصویب به مسکو فرستادند که حکومت روسیه حاضر نبود با آنچه در مسوده تذکار یافته بود، آنرا تأیید و تصویب نماید. به این اساس مذاکرات مسیوری چندان به نتیجه نرسید. (شرح مزید: آدامک، مأخذ فوق الذکر...، صفحه 184 تا 195)

دور سوم مذاکرات در کابل:

دور سوم مذاکرات در کابل تحت ریاست طرزی از جانب افغانستان و سر هنری دابس از جانب برتانیه بتاريخ 10 جنوری 1921 آغاز شد. اعضای هیئت افغانی را سردار عبدالرحمن خان مستشار وزارت خارجه، شجاع الدوله امین العسس، جنرال شاه ولیخان، غلام محمد خان وزیر تجارت و میر هاشم خان امین نظام و بعداً عبدالهادی خان داوی تشکیل میدادند.

این دوره مذاکرات بخصوص تحت الشعاع دو موضوع یعنی نفوذ بیشتر روسیه بطرف جنوب و برقرار کردن روابط نزدیک با افغانستان از یکطرف و تبلیغ اینکه "جرمنی دوباره به پا خواهد ایستاد" از طرف دیگر آغاز گردید و در قبال آن حضور بعضی از جمعیت "ترکان جوان" از جمله جمال پاشا که در کابل حضور داشت و در مورد تربیه نیروهای نظامی افغانستان بادولت امانی همکاری میکرد و نیز طلعت بیگ و انور پاشا در آسیای میانه فعالیت داشتند، به نفع جرمنی تبلیغ میکردند، نکاتی بود که برتانیه را بسوی مذاکرات مجدد با افغانستان می کشانید تا روابط افغان و انگلیس را بر طبق یک معاهده تنظیم نمایند و اجازه ندهند تا قونسلگری های روسیه در امتداد سرحد هند تأسیس گردند و نیز برتانیه مثل گذشته بر حاکمیت خود در قبایل ماورای سرحد از جمله وزیرستان ادامه دهد.

دابس مسیر مذاکرات را به چهار مرحله تقسیم کرد که از 20 جنوری آغاز و تا 8 ماه دسمبر 1921 به پایان رسید. در هر مرحله بحث روی نکات مشخص صورت گرفت و در جریان مذاکره در هر دوره جر و بحث های جدی بین هیئت های طرفین جریان داشت که رسیدن بیک نتیجه قطعی را دشوار می ساخت و به همین صورت مذاکرات در مرحله چهارم به بن بست مواجه شد. دابس میخواست از متن دقیق معاهده افغان روس آگاه شود و نیز از نفوذ روسها در افغانستان جلوگیری نماید و طرف افغان اصرار بر آن داشت تا روابط مستقیم با لندن برقرار شود و در مورد قبایل ماورای سرحد با برتانیه به یک تفاهم برسد.

مقارن ورود هیئت انگلیس در کابل، یک هیئت 420 نفری مشتمل بر نمایندگان مردم قبایل ماورای سرحد نیز به کابل رسیدند تا با شاه افغانستان درباره سرنوشت ولایات خود که زیر سلطه انگلیس قرار داشتند و برای آزادی خود مبارزه مسلحانه میکردند، مذاکره نمایند. آنها از دولت افغانستان میخواستند تا در الغای خط دیورند و انضمام آن ساحات به افغانستان اقدام کند، در حالیکه انگلیسها به هیچ قیمت حاضر به قبول این نظر نبودند. لذا شاه امان الله در یک موقف بسیار دشوار قرار گرفت که ممکن نبود در عین زمان به دو هدف یعنی برسمیت شناختن استقلال کامل کشور از طرف انگلیسها و برقراری مناسبات سیاسی مستقیم با دولت برتانیه از یکطرف و تلاش برای رهائی قبایل سرحدی از سلطه برتانیه از طرف دیگر نایل آید. به همین دلیل مذاکرات کابل تحت الشعاع همین معضله بسیار طولانی شد و بیش از یازده ماه را دربر گرفت و هر آن خطر قطع مذاکرات متصور بود. تا آنکه بالاخره در آخرین روزها و مذاکره مستقیم دابس با شاه امان الله طرفین به توافق رسیدند و معاهده بین دو کشور بتاريخ 30 عقرب 1300 ش (22 نوامبر 1921) تحت عنوان "معاهده فیما بین دولت علیه افغانستان و دولت بهیه برتانیه" از طرف افغانستان محمود طرزی وزیر خارجه و از طرف برتانیه سر هنری دابس رئیس هیئت برتانوی به امضاء رسید.

در ماده اول آن چنین آمده است: «دولتین علیتین برتانیه و افغانستان بالمقابل تمامی حقوق استقلال داخلی و خارجی یکدیگر خودشانرا تصدیق نموده محترم می شمارند»؛ در ماده دوم دولتین عاقدین بالمقابل سرحد هندوستان و افغانستان را بر طبق ماده پنجم عهدنامه مورخ 8 آگست 1919 منعقد راولپندی قبول مینمایند. در ماده سوم دولتین قبول کردند تا به تبادل سفر در لندن و کابل بپردازند. این معاهده که جمعاً دارای 14 ماده و دو ضمیمه میباشد،

در ماده چهاردهم آن آمده است که شرایط این عهدنامه از تاریخ امضاء الی سه سال نافذ خواهد ماند و در صورتیکه یکی از طرفین 12 ماه قبل از انقضای سه سال از اراده خود اختتام آنرا تقاضا نکند، واجب التعمیل خواهد ماند.

شاه امان بعداً تصریح کرد که: این یک معاهده دوستی نبوده، بلکه محض یک معاهده روابط همجواری و تنظیم امور مبادلات تجاری بین افغانستان و برتانیه (مسمی به معاهده کابل) میباشد و شاه عقد معاهده دوستی را مشروط بر آن میدانست تا برتانیه با ترکیه با جوانمردی و از روی کرامت پیش آید، با قبایل سخاوتمندانه رفتار کند و پیشامد نیک با مردمان هند بنماید.

به دلیل پافشاری زیاد هیئت افغانی بعد از امضای عهدنامه رئیس هیئت برتانیه عنوانی محمود طرزی نامه ای نوشت به این عبارات: «چون احوال اقوام سرحدی هردو دولتن سبب اندیشه دولت علیه افغانستان است، دوستدار آئمشفق مهربان را مطلع میداریم که دولت برتانیه خیالات نیک نیتی به تمام اقوام سرحد دارد و به هر طریق نیت دارد که رفتار مروتانه با ایشان میکند، مشروط بر اینکه از چپاولها [دستبرد] برخلاف اتباع برتانیه دست بردار شوند. امیداست که این مکتوب باعث تسلی و اطمینان خاطر آئمشفق مهربان باشد (امضای سرهزنی دابس) مورخ 22 نوامبر 1021-30 عقرب 1300 ش» (متن مکمل معاهده و ضمائم به شمول نامه فوق الذکر دیده شود: آدامک، لودویک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال"، ... صفحه 234 - 245)

غبار در این باره می نویسد: «این معاهده گرچه استقلال افغانستان را تأمین نمود، ولی مشکلات سرحدات آزاد افغانی را حل نکرد و خط دیورند کماکان باقیماند، پس چنانیکه دولت افغانستان باطناً ازین قضیه ناراض بود، مردم سرحدات آزاد نیز شاکي بودند و هم انگلیسها عقد چنین قراردادی را برخود هموار نمیکردند. لهذا در زیرنقاب تشریفات ظاهری، کشیدگی و انزجار دائمی بین دولتن باقیمانده و اقدامات نظامی انگلیس مدتهای دیگر جهت استیلای کامل بر مردم سرحدات آزاد ادامه یافت. همچنین فعالیت آنها در داخل افغانستان بغرض انقطاع رشته هرگونه اتصال مادی و معنوی بین افغانستان و سرحدات آزاد گسترش یافت.» (غبار: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، صفحه 783)

خلاصه با عقد این معاهده افغانستان حکومت انگلیس حاضر به شناسائی رسمی دولت مستقل افغانستان گردید و بر طبق آن نمایندگی های سیاسی افغانستان و انگلیس در لندن و کابل تأسیس و شروع به فعالیت کردند و شاه امان الله غازی به هدف عمده و اساسی خود یعنی استرداد استقلال کامل افغانستان قاطعانه نایل آمد و در افق تاریخ کشور سپیده دم عصر جدید پدیدار گشت.

(ادامه دارد)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم